

در انتظار سپیده دم

نویسنده: نسرین پرک

www.ketab.ir

سرشناسه	: پرک، نسرين، 1345 -
عنوان و نام پدیدآور	: در انتظار سپیده دم / تالیف نسرين پرک
مشخصات نشر	: مشهد: بنياد فرهنگي هنري امام رضا(ع)، 1395.
مشخصات ظاهري	: 36ص، 14/5×21/5سم.
شابک	: 978-600-7740-24-8
وضعيت فهرست نويسي	: فيفا
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن 14
رده بندي کنگره	: 1395 7983PIR 465د /
رده بندي ديوي	: 8ف3/62
شماره کتابخانه‌ای	: 4314955

در انتظار سپیده دم

مولف: نسرين پرک

مفید آرا: سمیه حیدری

طراح جلد: اشرف کلاهی دهکردی

ناشر: بنياد بين آئيني و فکري هنري امام رضا (ع)

نوبت چاپ: اول 1395

شمارگان: 200

قیمت: 40000

شماره شابک: 978-600-7740-24-8

نشانی: بنياد بين المللي فرهنگي هنري امام رضا(ع)

مشهد مقدس، بلوار شهيد کامياب، نبش شهيد کامياب 34، پلاک 3 ساختمان امام رضا(ع)

05132283044

www.shamstoos.ir

نشانی دبیرخانه شهرکرد تقاطع بلوار فارابی و کاشانی، مجتمع فرهنگی و هنری غدیر، دبیرخانه جشنواره

0383334890

فهرست

8..... در انتظار سپیده دم

12..... صبح با است

16..... دقیقه بیستم

25..... رویدادی غریب

29..... شب های طوس

32..... مهمان من است گرمی بدارش

مقدمه

روز میلاد

اینک باز روز میلاد است. بانگ ترشید سخاوتمندانه می‌درخشد. خورشیدی که روزگاری دراز بر جهان تابید. طره بلاده و شهادت‌های بسیاری بوده است. در حافظه او مانده، زمانی که عباس بن عرصه را بر علویان تنگ کرده بودند و می‌پنداشتند که تا ابد چنین خواهد بود. اما امروز شاهد است که حرم علی بن موسی الرضا (ع) چه با شکوه و مقتدر بر بام بیان ایستاده است و همه دل‌دادگان حضرت را به خویش فرا می‌خواند. در روزهایی چنین فرخنده، مردم فوج فوج از بلاد مختلف به این سو می‌آیند، برای کسب حاجتی رفع غمی، یا فزون شدن اشتیاقی.

خدام در اعیاد هوای حرم را آغشته می‌کنند به بوی عود و اسپند و کندور و گلپر. رایحه‌ای خوش که خود دوايي است برای دردمندان.

زائران در بدو ورود صلوات خاصه را زمزمه می‌کنند. برخی چنان در شوق این حضور غرق می‌شوند که اشک به مانند چشمه‌ای بر دیدگانشان می‌جوشد و بر گونه‌هایشان روان می‌شود.

کافران معصوم و بی‌صدا لب بر عودسوزها می‌سایند و بدون هیچ چشم‌داشتی لذت می‌برند. در صحن و سرای حضرت و سرتا پای خویش را معطر می‌سازند. بساط عید و عنبر، بزرگترها در صفوف منظم رو به حضرت می‌ایستند، دست‌ها را روی سینه می‌گذارند، سرها را خم می‌کنند و زیر باران رحمت امام، عطش روح خود را از این فضا ملکمی سیراب می‌کنند. گاه دستی بر بالای عودسوزها می‌گیرند و به چهره می‌کشند تا غبار از دل و جان خود بگریزند.

آتش‌دان‌های برنجی پیرامون حرم هم گردان می‌شوند تا مجاوران یا کارگران خسته‌ای که در خنکای صبحی زمستانی از دور به دوشای محبوب خود نشسته‌اند، بی‌تصیب نمانند. همه چیز در اینجا به زبان می‌آید، همه رزهای سربه‌مهری که آدم‌ها از گفتن به کسان خود واهمه دارند، اینجا با بیانی صدقانه به امام خود می‌گویند. و باور دارند که او همه این صداها را می‌شنود؛ و تسکین می‌بخشد، حتی عمیق‌ترین زخم‌هایی که هرگز گمان نمی‌کردند التیام پذیر باشد. به یاد

می‌آورند حکایت آهوپی که امام ضامنش شد، پس ضمانت و شفاعت می‌خواهند از امام مهربانی‌ها.

روایت شده، امام از عود هندی و چینی بخور کرده، و مشک و گلاب استفاده می‌کرده‌اند. بر خود عطر زده و همگان را به زدن عطر ترغیب می‌نموده‌اند. و حالا مریدانش برای رپایی این سنت نیکو روزانه تمام گوشه‌ها، زوایا، صحن‌ها، رواق‌ها و ایوان‌های حرم حضرت را آغشته به رایحه‌هایی دلپذیر می‌کنند. در اماکن روباز عود و انبر و اسپند می‌سوزانند، و برای رواق‌ها از اسانس‌های خاص استفاده می‌کنند. معمولاً قبل از اذان صبح، ظهر و مغرب این کار انجام می‌شود. تا زائران هنگام نماز و نیایش همان‌گونه که حضرت دست می‌داشتند، پاکیزه و معطر نزد پروردگار خود حضور یابند. اینجا تنها جایی است که به تنها همه‌مه و شلوغی‌اش آزار دهنده نیست، بلکه آرامش بخش نیز هست. گویا جنس مقدس بود که فرزندی از نسل پیامبر گرامی اسلام در این سرزمین به شهادت برسد، تا سلطان ولایت با دستان پرتوان خویش، طی نسل‌های متمادی، برمزارش عمارتی چنین باشکوه، دارای گنبدهایی عظیم و منظری چشم‌نواز برافرازند، و این بارگاه بشود پناهگاه دل‌های شکسته‌ای که در پی مرهمی، از راه‌های دور و نزدیک به این سرا می‌آیند.